

Conditions for Claiming Damages from Contracts in Jurisprudence and Law

Hossein Mahdavi Kandeh ^{1*}

1. Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:101-118

Article history:

Received: 05 Oct 2024

Edition: 06 Dec 2024

Accepted: 16 Feb 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Damage, Obligations, Contract, Custom, Law, Obligee.

Corresponding Author:

Hossein Mahdavi Kandeh

Address:

Iran, Tehran Payam Noor University, Department of Law.

Orchid Code:

0009-0005-0159-3156

Tel:

09141534682

Email:

mahdavi356@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Background and aims: Non-fulfillment of obligations is one of the important issues of contract law, which guarantees performance and claims for damages are very important and at the same time a point of disagreement. The purpose of this study is to examine the conditions for claiming damages from contracts in jurisprudence and law.

Materials and Methods: The research method of this article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the text, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: In jurisprudence and accordingly in Iranian law, the fulfillment of the obligation is the first solution to deal with the breach of contract, and non-fulfillment of obligations is the most important condition for claiming damages due to the contract.

Result: The deadline for fulfilling obligations, violation of contractual obligations, entry of damages and specification of compensation for damages in the contract or law or custom are the most important conditions for claiming damages due to the contract in Iranian law. Regarding the first condition, it should be said that the deadline for the execution of the contract means that until the obligation is fulfilled, it is not possible for the obligee to demand it. Regarding the second condition, it should also be said that the obligee must have refused to perform the contractual obligations, and in other words, he has committed a fault.

Cite this article as:

Mahdavi Kandeh, H. *Conditions for Claiming Damages from Contracts in Jurisprudence and Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

شرایط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد در فقه و حقوق

حسین مهدوی کنده^{*۱}

۱. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: عدم اجرای تعهد از موضوعات مهم حقوق قراردادهاست که ضمانت اجرا و مطالبه خسارت آن بسیار مهم و در عین حال محل اختلاف نظر است. هدف مقاله حاضر، بررسی شرایط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد در فقه و حقوق است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: اکثر فقهای امامیه بدون آنکه بحث مستقلی را به مطالبه و جبران خسارت اختصاص دهند در بحث‌های مختلف فقهی، به مسئله خسارت قابل جبران، توجه کرده‌اند. در فقه و به تبع آن در حقوق ایران، ایفای عین تعهد، اولین راه‌حل برای مقابله با نقض قرارداد به شماره آمده و عدم ایفای تعهدات مهمترین شرط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد است.

نتیجه: فرارسیدن موعد انجام تعهدات، تخلف از اجرای تعهدات قراردادی، ورود خسارت و تصریح به جبران خسارت در قرارداد یا قانون و یا عرف مهمترین شرایط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد در حقوق ایران است. در خصوص شرط اول باید گفت فرارسیدن موعد اجرای قرارداد به معنای آن است که تا زمانی که تعهد حال نشده، برای متعهدله امکان مطالبه آن وجود ندارد در خصوص شرط دوم نیز باید گفت متعهد باید از اجرای تعهدات قراردادی خودداری نموده باشد و به عبارت دیگر مرتکب تقصیر شده باشد. در خصوص شرط سوم باید گفت در صورتی که متعهد از اجرای تعهدات قراردادی خود خودداری ورزد، ولی خسارتی متوجه متعهدله نگردد، وی حق مطالبه خسارت از متعهد را نخواهد داشت.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۱-۱۱۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

خسارت، تعهدات، قرارداد، عرف، قانون، متعهدله.

نویسنده مسئول:

حسین مهدوی کنده

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، گروه حقوق.

تلفن:

09141534682

کد ارکید:

0009-0005-0159-3156

پست الکترونیک:

mahdavi356@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

اگر شخصی، طبق قرارداد، تعهد کند که کاری را انجام می‌دهد و از تعهد خود تخلف کند، مسئول خسارتی می‌باشد که به طرف مقابل وارد کرده است. این موضوع، در ماده ۲۲۱ قانون مدنی، ذکر شده است که به موجب آن، در صورتی که متعهد به تعهد خود عمل نکند، طبق قانون، ملزم به جبران خسارت خواهد بود؛ اما هر خسارتی را نمی‌توان مطالبه کرد. «در زندگی اجتماعی سود و زیان به هم آمیخته است. هر کس نفعی می‌برد به گونه‌ای باعث خسارت دیگران می‌شود، ولی همه این خسارت‌ها ایجاد مسئولیت نمی‌کند. بسیاری از خسارت‌ها لازمه زندگی اجتماعی است و عرف به دیده اغماض از آن‌ها می‌گذرد. برای مثال اگر شما کالای محدودی را که به حراج گذارده شده است را زودتر از دیگران بخرید یا در اثر تبلیغ گروهی از مشتریان کالایی را به موسسه خود جلب کنید به زیان دیگران اقدام کرده‌اید، ولی عرف آن را خسارت (به معنای حقوقی آن) نمی‌داند» (امامی، ۱۳۸۹، ج ۱، ۵۶). علم حقوق در مسئولیت مدنی فارغ از جنبه کیفری فعلی است که موجب زیان گردیده و فقط گفتگوی آن در خسارت ناشی از عمل بدون مجوز قانونی می‌باشد. «برای آنکه مسئولیت مدنی محقق شود و کسی مسئول جبران آن باشد باید از طرف آن کس بدون مجوز قانونی زبانی متوجه دیگری شده باشد. بنابراین چنانچه کسی بدون مجوز قانونی مرتکب عملی گردد و از عمل او خسارتی متوجه دیگری نشود مسئولیت مدنی یافت نشده است. مثلاً هرگاه اتومبیلی برخلاف مقررات عبور و مرور از چراغ قرمز بگذرد و تصادفی هم نشود فقط راننده از نظر ارتکاب عمل خلاف جریمه می‌شود، ولی هرگاه در عبور از چراغ قرمز به اتومبیل دیگری که از طرف آزاد می‌گذشته تصادف نماید و موجب زیان اتومبیل

آخری شود راننده باید آن را جبران کند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۹۸). خسارت قابل مطالبه دارای شرایط و اوصاف ویژه‌ای است و تا آن شرایط تحقق نیابد نمی‌توان خسارتی از ناحیه کسی که باعث ایراد خسارت شده است مطالبه کرد، لذا با وجود این شرایط است که مدعی خصوصی می‌تواند خواهان جبران خسارت باشد. به عبارتی هرگاه در نتیجه عدم اجرای تعهد خسارتی متوجه متعهدله شود برای آنکه متعهدله بتواند مطالبه خسارت کند باید شرایطی وجود داشته باشد و در صورت فقدان یکی از این شرایط مسئولیت قراردادی منتفی خواهد بود. پژوهش‌های متعدد در خصوص مطالبه خسارت در فقه و حقوق ایران انجام شده است: هدیه مهمان نوازان در مقاله‌ای به بررسی کاوشی در مطالبه خسارت عدم النفع در حقوق موضوعه ایران پرداخته است (مهمان نوازان، ۱۳۹۲). مهدی فلاح و نرجس قادری نیز در مقاله‌ای، مبنا و شرایط مطالبه خسارت تاخیر تادیه در فقه و حقوق موضوعه ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ را تبیین و تحلیل کرده‌اند (فلاح و قادری، ۱۳۹۷) همچنین علی طهماسبی و علی شیرازی، در مقاله‌ای، قابلیت مطالبه خسارت ناشی از کاهش ارزش ثمن در صورت فسخ قرارداد را بررسی کرده‌اند (طهماسبی و شیرازی، ۱۳۹۸) تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که در مقاله حاضر، به بررسی شرایط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد در فقه و حقوق پرداخته می‌شود.

بر اساس آنچه گفته شد، هدف مقاله حاضر بررسی این موضوع مهم است که شرایط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد در فقه و حقوق چیست؟ به منظور بررسی سوال مورد اشاره ابتدا شرایط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد در فقه بررسی شده سپس

از شرایط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد در حقوق بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

اکثر فقهای امامیه بدون آنکه بحث مستقلاً را به مطالبه و جبران خسارت اختصاص دهند و قاعده کلی در این باره بنا نهند، به مناسبت در بحث‌های مختلف فقهی، به مسئله خسارات قابل جبران، توجه کرده و در این مقام مباحثی را مطرح نموده‌اند. در فقه و به تبع آن در حقوق ایران، ایفای عین تعهد، اولین راه‌حل برای مقابله با نقض قرارداد به شماره آمده و عدم ایفای تعهدات مهمترین شرط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد است.

۵. بحث

در این قسمت، شرایط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد در فقه و حقوق مورد بررسی قرار گرفته است.

۵-۱. شرایط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد در فقه

شرایط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد در فقه عبارتند از:

۵-۱-۱. عدم ایفای تعهدات

فقها با توجه به آیه شریفه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (سوره مائده، آیه ۱) و حدیث «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»، تعهدات و شروط ضمن آن را نسبت به متعهد و

مشروط علیه لازم الوفا دانسته‌اند (محقق داماد، ۱۳۷۲، ج ۴، ۴۴). تا به جایی که گفته‌اند «ان وجوب الوفاء بالشروط تکلیفاً لم ينكره احد» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳، ۳۶۷). با این وجود، «در این که به صرف امتناع از انجام تعهد یا احد از شروط آن موجد حق فسخ برای متعهد است اختلافات اساسی بین صاحب‌نظران وجود دارد» (عاملی جبعی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۵۰۶).

بعضی از فقها معتقدند: «باتخلف از شرط، ضرری برای مشروط‌له به وجود می‌آید که جبران آن از دو طریق امکان‌پذیر است: فسخ معامله و الزام مشروط‌علیه. و هیچ‌یک از این دو راه، ترجیحی بر دیگری ندارد. لذا حق انتخاب با مشروط‌له می‌باشد» (علامه حلی، ۱۳۷۳، ۵۰۷). «چون نقض تعهد، عقد را در معرض زوال قرار داده و باعث ایجاد حق فسخ برای طرف دیگر شده است. هیچ‌کدام از دو حق بر دیگری رجحان ندارد، لذا متعهدله می‌تواند هر کدام را که مایل باشد، برگزیند. به نظر آن‌ها به محض نقض قرارداد حق فسخ ایجاد می‌شود و این حق به تعذر ایفای عین تعهد بستگی ندارد، چون، اجبار مقتضای حق است و حق فسخ هم با تخلف به وجود می‌آید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ۲۲۰). مطابق دیدگاه مورد اشاره، این راه‌حل، در راستای حفظ حقوق افراد و در عین حال حفظ نظم عمومی است (امامی، ۱۳۸۹، ج ۱، ۵۲۶)، «در تأیید این نظر گفته شده وجود خیار ناشی از قاعده لاضرر می‌باشد، و چه بسا رجوع به حاکم و طرح دعوا، خود موجب ضرر مشروط له باشد. بنابراین نباید حق خیار مشروط‌له را تا قبل از مراجعه به حاکم سلب نمود» (فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ۷۱؛ گرجی، ۱۳۷۸، ۴۲).

دیدگاه فوق مورد تأیید اغلب فقها نیست. از دیدگاه مشهور فقها «در صورت نقض قرارداد، حق

۵-۱-۲-۱. دیدگاه موافق جبران خسارت

از نگاه برخی فقیهان و صاحب‌نظران دامنه مسئولیت به عدم‌النفع نیز سرایت داده می‌شود. از نظر ایشان تفویت منافع مسلم از نظر عرف، تلف مال و ایراد ضرر و خسارت تلقی می‌شود (طباطبایی‌حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ۱۶). از نویسندگان معاصر می‌توان به استاد (شهرکی‌زنگنه، ۱۳۹۷، ۹۵)؛ و نیز (استاد وحدتی شبیری، ۱۳۸۵، ۱۸۵) اشاره کرد که در ضمن آثار خویش به اثبات و دفاع از این نگاه پرداخته‌اند. موافقین به ضمان و مسئولیت در تأخیر اجرای تعهدات قراردادی به مستندات تمسک کرده‌اند که در ادامه بیان می‌شود.

یکی از استنادات موافقین جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای تعهدات قراردادی، حدیث لاضرر است. یکی از قواعد مهم فقهی قاعده لاضرر است. اگرچه در مضمون و مفاد این قاعده در میان اندیشمندان اسلامی اختلاف نظرهایی وجود دارد، اما در نگاه برخی مفاد این قاعده عبارت است از آن‌که هرگونه حکم ضرری در اسلام نفی شده است (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۶، ۷۵). بر همین اساس برخی فقیهان بر این عقیده‌اند که حکم به عدم جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای تعهدات قراردادی نوعی ضرر در حق مالک به حساب می‌آید که در اسلام منفی اعلام شده است (طباطبایی-حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ۱۶). صاحب‌جواهر در نقد دیدگاهی که لاضرر را مستند ضمان معرفی می‌نماید، می‌نگارد: «حدیث لاضرر صرفاً نامشروع بودن عملی را که مستلزم ضرر و ضرار است در اسلام اعلام می‌کند و در واقع نهی از ایجاد چنین عملی است و به‌جز حرمت چیزی از آن فهمیده نمی‌شود؛ زیرا اگر اراده نفی حقیقی در لاضرر ناممکن باشد، حرمت تکلیفی، نزدیک‌ترین معنای

فسخ به‌طور مطلق برای متعهدله به وجود نمی‌آید، بلکه وفای به عهد کماکان لازم است و با تمکن به ایفاء عین تعهد، دلیلی برای ایجاد حق خیار وجود ندارد» (عاملی جبعی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۵۰۶؛ خراسانی، ۱۳۸۶، ۹۷؛ خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۲، ۱۳۴) از این منظر «اختیار فسخ معامله برای جبران ضرر مشروط‌له است. حال اگر اجبار مشروط‌علیه ممکن باشد، دیگر ضرری قابل تصور نیست تا ضرورتی به حق فسخ باشد. لذا فسخ، فقط وقتی ممکن است که امکان اجبار مشروط‌علیه ولو از طریق اجرای جایگزینی فراهم نباشد. به نظر آن‌ها مادامی که امکان ایفای تعهد وجود دارد حق فسخ به وجود نخواهد آمد. حتی برخی پا را از این هم فراتر گذارده و عنوان کرده‌اند که اگر حدیث لاضرر و اجماع بر ثبوت خیار در هنگام تعدّر از اجبار به انجام عین تعهد وجود نداشت، ممکن بود نتوانیم در هنگام تعدّر نیز قائل به ثبوت خیار شویم» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۳، ۲۱۹). الزام به ایفای تعهدات قراردادی در مواقعی مصداق پیدا می‌کند که قراردادی منعقد شده باشد و یکی از طرفین قرارداد، تعهدات خود را به رغبت و بدون اجبار قانونی انجام نمی‌دهد. در این صورت متعهدله به نیروی الزام‌آور قرارداد متوسل شده و ایفای تعهدات ناشی از قرارداد را مطالبه می‌نماید.

۵-۱-۲. تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی

در خصوص تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی میان فقها وحدت نظر وجود ندارد. به همین دلیل تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی به عنوان یکی از شروط جبران خسارت از دو دیدگاه موافقان و مخالفان بررسی می‌شود.

مجازی به آن است. بلکه می‌توان ادعا کرد حرمت، معنای حقیقی است و مجازی در آن وجود ندارد. از این‌ها گذشته بپرض که لاضرر بر ضمان مالی دلالت داشته باشد، استفاده ضمان در هر موردی مستلزم فتوای اصحاب در آن مورد است و نمی‌توان به اطلاق آن فتوا داد» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ۳۷).

دلیل دیگر موافقین، جبران خسارت ناشی از تاخیر اجرای تعهدات قراردادی، قاعده تسبیب است. در صورتی که شخصی مال دیگری را به‌طور مستقیم تلف نکند، اما زمینه و سبب تلف مال وی را فراهم نماید، اتلاف به تسبیب نامیده می‌شود و عامل زیان، ضامن خسارتی است که از این راه ایجاد نموده است. براین اساس تسبیب در منابع فقهی عبارت است از هر فعلی که سبب تلف مال غیر گردد. البته «سبب» به معنای فلسفی آن؛ یعنی علت تامه مراد نیست بلکه مراد از سبب شرط یا علت ناقصه مؤثر است. محقق حلی تسبیب را عبارت می‌داند از «هر فعلی که تلف به‌واسطه آن تحقق پیدا کند» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳، ۱۸۶). این فقیه عالی‌قدر در کتاب دیات ضابطه‌ای در مورد تسبیب ارائه می‌نماید که «تسبیب فعلی است که اگر آن فعل نبود چنین تلفی حاصل نمی‌شد ولی علت مستقیم آن چیز دیگر است» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ۲۳۷). بر اساس مبانی فقهی فوق هر جا شخصی به کاری دست بزند که عرفاً سبب اتلاف مال دیگری شود از مصادیق تسبیب است به‌عنوان مثال بین کردن چاه در وسط خیابان و سقوط رهگذر در آن رابطه علیت تامه وجود ندارد؛ زیرا ممکن است هیچ‌گاه کسی در آن چاه سقوط نکند ولی اگر سقوطی محقق شود، کسی که چاه را حفر کرده و هیچ‌گاه هشداردهنده‌ای نیز قرار نداده از نظر عرف سبب حادثه تلقی می‌شود. بنابراین حفرکننده چاه از باب تسبیب ضامن است.

برای تسبیب مثال‌های مختلف دیگری نیز در منابع فقهی ذکر شده است. از جمله سدمعبر و ایجاد ضرر برای دیگران، انداختن صبی یا حیوان عاجز از فرار در قفس حیوان درنده و باز نمودن قید حیوان یا باز نمودن قفس پرنده متعلق به غیر در صورتی که این کار موجب تلف آن حیوان شود؛ همه از مصادیق اتلاف به تسبیب است (شهرکی‌زنگنه، ۱۳۹۷، ۸۹) در اثبات ضمان به‌واسطه تسبیب نیز اختلافی وجود ندارد و بر آن ادعای اجماع شده است (نجفی، ۱۴۰۷، ج ۳۷، ۴۶). در این زمینه به ادله و روایات متعددی در ابواب مختلف فقهی استناد شده است (نجفی، ۱۴۰۷، ج ۳۷، ۴۶). از رهگذر این قاعده برخی معتقدند که می‌توان بادیید وسیع‌تری این نظریه را تقویت کرد که برای مسئولیت قراردادی در فقه به‌قاعده تسبیب می‌توان استناد کرد (شهرکی‌زنگنه، ۱۳۹۷، ۹۵).

این نگاه از منظر فقیهان امامیه مورد پذیرش واقع نشده است، زیرا در نگاه ایشان قاعده تسبیب درجایی است که به از میان رفتن مالی بینجامد (رشتی، ۱۳۲۲، ۲۰). در واقع مرتکب با قصد و نیت اضرار به غیر مبادرت به عمل کند یا اینکه بدون قصد و نیت خاصی اقدام کند و سبب ایراد خسارت به دیگری شود. هر چند عمد و قصد به اضرار لازم نیست، اما احراز انتساب خسارت به فعل مسبب بی تردید لازم است. صاحب جواهر نیز در ذیل این مسئله که حبس صنعتگر ضمانی را نسبت به منافع وی ندارد، توضیح می‌دهد که: «هرچند تسبیب از موجبات ضمان به شمار آمده ولی درجایی جریان می‌یابد که به تلف مال تعلق گیرد و عمل صنعتگر به‌خودی‌خود مال موجود نیست تا تسبیب تلف آن معنا داشته باشد» (نجفی، ۱۴۰۷، ج ۳۷، ۴۰). دیدگاه فوق مورد تأیید اغلب فقها نیست. از دید مشهور در صورت نقض قرارداد، حق فسخ

به‌طور مطلق برای متعهدله به وجود نمی‌آید، بلکه وفای به عهد کماکان لازم است و با تمکن به ایفاء عین تعهد، دلیلی برای ایجاد حق خیار وجود ندارد.

۵-۱-۲-۲. دیدگاه مخالف جبران خسارت تأخیر

عده‌ای از حقوقدانان «وجود مسئولیت قراردادی را در فقه اسلامی انکار کرده‌اند، زیرا وقتی امروز از مسئولیت قراردادی سخن به میان می‌آید، خسارت عدم‌النفع یا زیان‌های معنوی و یا خسارت تأخیر تأدیه به ذهن متبادر می‌شود؛ درحالی‌که فقه اسلامی با امکان مطالبه این خسارات سازگاری ندارد» (وحدتی شبیری، ۱۳۸۵، ۱۷۵). از این‌رو، علامه حلی می‌نگارد: «اگر شخصی مانع از بیع متاع دیگری شود تا قیمت بازار کاهش پیدا کرده، خسارت ناشی از کاهش قیمت قابل مطالبه نیست» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ۲۲۳). عاملی نیز در کتاب دروس با شدت و اهتمام به عدم ضمان حکم فرموده است «أما لو منعه من بیع متاعه فی السوق فنقصت قیمته لم یضمن قطعاً» (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۳، ۱۰۶). در همین راستا، فاضل آبی نگاشته است: «و لو حبس صنعا لم یضمن أجرته» (فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۳۸۱). بدین معنا که اگر شخصی مانع رفتن صنعتگر به سر کارش شود، ضمانی نسبت به ارزش عمل او وجود ندارد. محقق کرکی نیز با این تبیین که در منع از ارائه کالا و نقص قیمت بازار، اگر اصل مال و صفات آن محفوظ بوده باشد، ضمانی در کار نیست (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۶، ۲۱۹). بر عدم ضمان تأکید کرده است.

اجماع از مهمترین مبانی اجرای تعهدات قراردادی است. ادعای اجماع بر این مبنا است که هم در روایات آمده (حرّ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۳۵) و هم به ادعای صاحب جواهر مورد اجماع فقهای شیعه است.

صاحب جواهر می‌گوید: «در مواردی که خسارت از ناحیه کاهش قیمت رخ داده است، مالی از زیان دیده به‌صورت مباشری یا تسبیبی تلف نشده است و به همین دلیل از دیدگاه فقیهان، اجماعی است که منافع انسان آزاد مورد ضمان قرار نمی‌گیرد» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ۳۷). وی همین نگاه را مورد صنعتگری که مانع از کارکردن وی صورت پذیرفته است، مطرح نموده و می‌نگارد: «أما لو حبس صنعا لم یضمن أجرته ما لم ینتفع به فضلا عن غیرالصانع بلا خلاف أجدّه فیّه، بل فی الکفایه هو مقطوع به فی کلام الاصحاح» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۹، ۳۷). میرزا حبیب‌الله رشتی نیز در عدم ضمان کسی که حبس شده است، می‌نگارد: «لو حبس صنعا ففات عنه أجره عمله لم یضمن وفاقا للکلال او الجلل بل لاخلاف فی ذلک» (رشتی، ۱۳۲۲، ۲۱). این تعبیر همگی کاشف از موافقت همگان با عدم ضمان است (شهرکی‌زنگنه، ۱۳۹۷، ۹۲). اجماع یا اتفاق نظر به معنی یکسان بودن نظر فقیهان همه دوره‌ها بر پذیرش یا رد یک حکم شرعی است. بر اساس نظر امامیه (مظفر، ۱۳۸۰، ج ۲، ۸۷-۱۰۶)، اجماع نظر فقیهان ارزش ذاتی ندارد و فقط به این دلیل اعتبار دارد که می‌تواند بیانگر دیدگاه معصومان و در اصطلاح فقهی کاشف سنت آنان باشد. اجماع در این خصوص به نظر اجماع منقول است. این قسم از اجماع، اگر به وسیله خبر متواتر نقل شده باشد و تعداد زیادی از فقها آن را خود به دست آورده و برای دیگران نقل کرده باشند، حجت است؛ اما اگر به وسیله خبر واحد نقل شده باشد که یک یا تعداد کمی از فقها اجماع را به دست آورده و آن را برای دیگران نقل کرده‌اند، در حجیت آن اختلاف نظر است.

عدم مالیت تفویت منافع از دیگر دلایل مخالفان جبران خسارت ناشی از تأخیر اجرای تعهدات

که جهات مختلفی را شامل می‌شود. زمان اجرای تعهد، موعدی است که دو طرف تعهد به صورت صریح یا ضمنی بر آن توافق کنند و در صورت سکوت نیز ممکن است با توجه به عرف و عادت یا طبیعت پیمان تعیین گردد (نوروزی شمس، ۱۳۹۳، ۳).

در بسیاری از قراردادهای طرفین زمان مشخصی را تعیین می‌کنند که تعهد مورد نظر در آن زمان باید انجام شود. به عنوان مثال طرفین روز معینی را تعیین می‌نمایند و یا زمانی در نظر می‌گیرند تا متعهد در طی آن زمان تعهد خود را ایفا نماید. نکته قابل توجه این است که چنانچه موعد اجرای تعهد در قرارداد مشخص باشد با انقضای موعد مذکور و عدم اجرای تعهدات قراردادی، متعهد ملزم به جبران خسارات طرف دیگر بوده و بر خلاف حقوق برخی از کشورها متعهدله نیازی به اثبات مطالبه تعهد از متعهد ندارد.

قبل از بیان اقسام مواعدی که ممکن است در خصوص اجرای قرارداد وجود داشته باشد باید یادآوری کرد مطالبه خسارت ناشی از تخلف از انجام تعهد، در صورتی ممکن است که مهلت اجرای قرارداد سپری شده باشد. بنابراین در صورتی که از مهلت اجرای قرارداد زمانی باقی مانده باشد، متعهدله حق مطالبه خسارت ندارد. هر چند که مدت باقی مانده به اندازه‌ای کوتاه باشد که انجام تعهد قرارداد، در آن غیر ممکن باشد. اگر زمان قید عمل مورد تعهد باشد و مجموع مرکب از عمل و وقوع آن در زمان معین، مورد تعهد قرار گرفته باشد باز هم پیش از سپری شدن کامل زمان مزبور و عدم انجام تعهد مورد پیدا نمی‌کند، زیرا منظور از عدم انجام تعهد عدم انجام آن در زمان مقرر است و تا جزئی از زمان مزبور باقی است عدم انجام تعهد در زمان صدق نمی‌کند. همچنان زیان ناشی از عدم

قراردادی است. مسئولیت قراردادی بیشتر ناظر به تفویض منافع است و تفویض منافع نیز مال محسوب نمی‌شود و از همین رهگذر موضوع ضمان منتفی می‌گردد. حکم لزوم جبران خسارت مربوط به مواردی است که عین اموال تلف شده باشد؛ اما در مورد از بین رفتن منفعی که از طریق انجام قرارداد به ذی‌نفع تعهد می‌رسیده و وی بر اثر تخلف طرف مقابل از آن‌ها محروم شده چون مال محسوب نمی‌شود، قاعده اتلاف و تسبیب دلالتی ندارد و نمی‌توان بر دریافت و خسارت بر آن‌ها درخواستی داشت.

قانون ایران، به‌طور کلی، نظریه اجبار تا حد امکان را پذیرفته و در موارد خاص استثنائات و تعدیلاتی قائل شده است. در حقوق ایران در صورتی که متعهد از اجرای تعهد خودداری کند متعهدله می‌تواند به دادگاه مراجعه و درخواست فسخ و انحلال، قرارداد را به همراه خسارات وارده از متعهد درخواست نماید. این امر مبتنی بر نظر مشهور فقها است که در قانون مدنی مورد تبعیت قرار گرفته است لیکن نظر غیر مشهور آن است که در صورت عدم اجرای تعهد نمی‌توان متعهد را به اجرای تعهد اجبار نمود بلکه طرف دیگر می‌تواند قرارداد را فسخ کند و مطالبه خسارت نماید.

۵-۳. شرایط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد در حقوق

شرایط مطالبه خسارت ناشی از قرارداد در حقوق عبارتند از:

۵-۳-۱. انقضای زمان اجرای قرارداد

ممکن است تخلف از اجرای تعهد به صورت عدم اجرای تعهد در زمان مقرر باشد. زمان اجرا از عوامل تأثیرگذار بر مسئولیت طرفین تعهد است. از طرفی زمان ارزش اقتصادی دارد و هزینه‌ای است

انجام تعهد زینانی است که در زمان پس از مهلت مقرر حادث شده باشد نه در اجزا باقی مانده این زمان، چه اینکه تمام اجزای مهلت در اراده‌ی طرفهای قرارداد، صرفاً ظرف انجام تعهد و در اختیار متعهد است نه ظرف بهره بردار از مورد تعهد (شهیدی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۶۲).

در صورتی که موعد اجرای تعهد در قرارداد مشخص نشده باشد، متعهد باید بلافاصله تعهد را انجام دهد. حال بودن طلب موافق با اصل و مؤجل بودن آن نیاز به دلیل دارد. البته این موضوع به صراحت در قانون نیامده است، بلکه از مواد دیگری که در قانون آمده می‌توان این حکم را استخراج نمود. چنانچه در ماده ۳۴۴ قانون مدنی آمده است: «اگر در عقد بیع شرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع موعدی معین نگشته باشد بیع قطعی و ثمن حال محسوب می‌شود...». یا در بند ۳ ماده ۴۹۰ قانون مذکور چنین آمده است: «مستأجر باید مال الاجاره را در موعدی که بین طرفین مقرر است تأدیه کند و در صورت عدم تعیین موعد نقداً باید بپردازد. پس در این مورد نیز متعهدله نیازی به اثبات مطالبه تعهد از مدیون و رجوع به بدهکار ندارد و می‌تواند خسارت تأخیر را پس از مهلت عرفی انجام تعهد، از آغاز تراضی بگیرد.

۵-۳-۳. نقض قرارداد

وجود فعل زیانبار یکی از ارکان تحقق مسئولیت مدنی است و امکان مطالبه خسارت بدون فعل زیانبار مانند اعمال مجازات بدون ارتکاب جرم است. خصیصه مهم فعل زیانبار آن است که انجام آن فاقد مجوز قانونی است. این فعل ممکن است مثبت یا منفی و مادی یا حقوقی باشد. مانند معامله فضولی یا عدم فروش مال توسط وکیل و ورود خسارت به موکل. در عین حال این افعال زیانبار در مسئولیت مدنی متنوع هستند و هر نوع فعلی که موجب ورود خسارت شود موجب تحقق مسئولیت مدنی می‌گردد.

متعهد زمانی مسئول جبران خسارات طرف مقابل می‌شود که عدم اجرای قرارداد منسوب به او باشد. پس در مواردی که اجرای قرارداد غیرممکن باشد اعم از اینکه این عدم امکان اجرا از ابتدای عقد، باشد و یا به دلیل اقدام طرف مقابل و یا دلایلی خارج از حیطة قدرت متعهد ایجاد شود، متعهد مسئولیتی در خصوص جبران خسارت وارده نخواهد داشت. اما در مواردی که متعهد از اجرای

۵-۳-۲. تخلف از اجرای تعهدات قراردادی

در مسئولیت قراردادی فعل زیانبار غالباً به صورت منفی «ترک فعل» است مانند تأخیر یا عدم انجام تعهد یا نقص اجرا (عدم انجام تعهد به طور کامل). بدین جهت اینگونه اعمال زیانبار در مبحث مسئولیت قراردادی عنوان «عهدشکنی» را دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۴، ۱۳۹). در تعهداتی که موضوع آن انجام ندادن کاری و ترک فعل است، با اینکه متعهد با انجام فعلی موجب ورود خسارت می‌شود

صحيح اجرا نموده باشد و حتى اجرای بخش اعظم کار از مسئولیت او نمی‌کاهد. در این صورت اجرای بخشی از قرارداد در حکم عدم اجرای قرارداد می‌باشد، زیرا تا زمانی که تمام تعهد اجرانشده است، سودی به متعهد نمی‌رسد حتی اگر بخش اجرانشده در اختیار گذاردن دانش فنی برای راه‌اندازی مورد تعهد باشد. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۷۸).

دیگر اشکال تخلف از اجرای تعهدات، اجرای معیوب قرارداد است. حالت دیگری را که می‌توان تصور نمود حالتی است که مدیون اجرایی غیر مطابق با اوصاف قراردادی داشته باشد. در این حالت نیز باید گفت اجرای معیوب قرارداد در حکم عدم اجرای قرارداد است و متعهد مکلف به جبران خسارت طرف دیگر می‌باشد. اما باید توجه نمود در این حالت نمی‌توان گفت که متعهد از اجرای قرارداد خودداری نموده و در صورتی که طلبکار با صرف هزینه اندکی بتواند تعهد را به شکل مطلوبی درآورد باید مسئولیت او را به تناسب ضرری که به طلبکار وارد شده تعدیل نمود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۴، ۲۶) در صورتی که متعهدله از اجرای معیوب قرارداد متضرر شود باید آنرا اثبات نماید ولی ظاهر این است که متعهد کار خود را بی نقص انجام داده است و طلبکار باید خلاف آنرا ثابت نماید.

۵-۳-۴. ورود خسارت

یکی از شرایط مطالبه خسارت عدم ایفای تعهدات، وجود خسارت است. «خسارات (اعم از مادی، معنوی، عدم‌النفع) باید مسلم باشد پس به خسارات محتمل ترتیب اثری داده نمی‌شود؛ یعنی باید یا مالی از بین رفته باشد و یا تفویض منفعتی صورت گرفته باشد. منظور از تفویض منفعت، منفعت محقق است؛ یعنی نفعی که اگر متعهد به تعهد خود

و در حقیقت فعل زیانبار به صورت فعل مثبت نمایانگر می‌شود، اما از آنجا که خسارت وارده ناشی از نقض تعهد تعهد عدم انجام (فعل) می‌باشد، باز هم عنوان عهدشکنی بر آن صادق است ولی نکته مهم این است که در مسئولیت قراردادی فعل زیانبار باید فاقد مجوز قانونی و نامشروع باشد. عهدشکنی و نقض قرارداد نیز فعلی است که فاقد مجوز قانونی می‌باشد که به اینگونه افعال افعال فاقد مجوز نسبی نیز لقب داده شده است (قائم مقامی، ۱۳۴۳، ج ۱، ۱۵۵).

برای تحقق مسئولیت قراردادی متعهد باید از انجام تعهد تخلف نموده و این تخلف منتسب به او باشد. بنابراین متعذر و غیر ممکن بودن اجرای قرارداد اعم از اینکه از ابتدای قرارداد باشد و یا بعداً حادث شود، موجب معافیت متعهد از مسئولیت می‌شود. اجرای ناقص قرارداد یکی از اشکال تخلف از اجرای تعهدات است. خودداری متعهد از اجرای قرارداد ممکن است ناظر به بخشی از قرارداد باشد. در این صورت طبق اصل کلی که در ماده ۲۷۷ قانون مدنی اعلام شده متعهدله می‌تواند از پذیرفتن چنین اجرایی خودداری نماید. در این ماده آمده است: «متعهد نمی‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید». اما اجرای قسمتی از موضوع قرارداد را در دو حالت می‌توان مورد بررسی قرارداد. اول در مورد قراردادهایی که تجزیه‌پذیر هستند و دوم در خصوص قراردادهایی که غیرقابل تجزیه‌اند. در خصوص قراردادهای قابل تجزیه باید گفت در این حالت به همان نسبتی که متعهد قرارداد را اجرا نموده مسئولیت او از بین می‌رود و متعهدله نمی‌تواند از قبول آن قسمتی که انجام شده خودداری نماید. اما اگر موضوع تعهد غیرقابل تجزیه باشد متعهد تنها زمانی از مسئولیت رهایی می‌یابد که تمام قرارداد را به طور کامل و

عمل می‌کرد حتماً نصیب متعهدله شد» (صفرزاده؛ عظیمی‌گرکانی، ۱۴۰۰، ۲۸۸). «همچنین مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی ضرر باید بلاواسطه ناشی از عدم اجرای تعهد یا تأخیر آن باشد؛ یعنی اینکه فعل شخص در ورود ضرر مدخلیت داشته باشد. بنابراین اگر عوامل متعددی باعث ورود ضرر شده باشد در صورتی که بین فعل شخص و زیان وارد شده رابطه سببیت عرفی، احراز گردد، شخص مذکور مسئول خواهد بود» (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷، ۹).

«در این مورد ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی سابق چنین بیان می‌داشت در مورد ماده فوق در صورتی دادگاه حکم خسارت می‌دهد که مدعی خسارت ثابت کند ضرر به او وارد شده و این ضرر بلا واسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم محکوم به بوده است. اما مطابق ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی، جدید برای مطالبه خسارت وارده خواهان باید ثابت کند که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است» (کیانی، ۱۳۷۶، ۲۵۰-۲۵۱). همچنین بحث لزوم ورود ضرر در جایی مطرح می‌شود که موضوع تعهد وجه نقد نباشد. در این صورت نیازی به اثبات ورود ضرر نیست و بحث خسارت تأخیر تأدیه مطرح می‌شود.

۵-۳-۵. وجود تقصیر

برخی از حقوقدانان معتقدند «متعهد در صورتی مسئول جبران خسارت ناشی از تخلف از انجام تعهد است که در عدم انجام تعهد یا تأخیر در آن، تقصیر داشته باشد، یعنی تخلف مزبور بی‌ارتباط با اراده او نباشد، در غیر این صورت مسئولیتی برای او نمی‌توان شناخت. ارتباط اراده با تخلف، خواه به صورت عمد یا بی‌مبالاتی باشد، زمینه را برای مسئولیت متخلف فراهم می‌سازد (حسینی نژاد،

۱۳۷۰، ۴۵). به عبارت دیگر متعهدله هنگامی می‌تواند ادعای خسارت کند که اثبات کند در نتیجه عدم اجرای تعهد از ناحیه متعهد خسارتی به او رسیده است. ورود خسارت رکن مهم مسئولیت قراردادی است و تا خسارتی به متعهدله وارد نیامده باشد نمی‌توان متعهد را در مورد تخلف قراردادی مسئول شناخت. خسارت قابل مطالبه دارای شرایطی است و تا آن شرایط تحقق نیابد نمی‌توان خسارتی از ناحیه تخلف متعهد در اجرای تعهد مطالبه کرد. ماده ۲۲۱ ق.م. مقرر می‌دارد: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد یا برحسب قانون موجب ضمان باشد».

در مقابل برخی بر این عقیده‌اند که، «در پیدایش مسئولیت مدنی ناشی از تخلف از اجرای تعهد، تقصیر متعهد شرط نیست و صرف اثبات کافی است تا متعهد را در مورد خسارت وارد مسئول سازد. برای احراز اجرا نشدن تعهد نیز اصل عدم کافی است» (امامی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۸۹).

در حقوق ایران، فورس ماژور و قوه قاهره در قوانین به کار نرفته، ولی مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی آن را می‌رساند. در ماده ۲۲۷ قانون مدنی، عدم انجام تعهد به علت خارجی غیرقابل انتساب آمده است، این علت خارجی همان فورس ماژور می‌باشد. ماده ۲۲۹ قانون مدنی حادثه‌ای را اشاره می‌نماید که دفع آن خارج از اقتدار متعهد است که محکوم به خسارت نخواهد شد، این حادثه فورس ماژور و سبب رفع مسئولیت متعهد می‌باشد، مصادیق را ماده ۱۳۱۲ قانون مدنی و ماده ۴ قانون بیمه اجباری بیان می‌نماید.

در ایران، با توجه به قبول اجبار در تعهدات و نبودن اختیاراتی که در کامن لا وجود دارد، در قوانین و سیستم قضایی، مشکل در این موارد بیشتر بروز می‌نماید.

در حقوق ایران، در برخی موارد محکمه از صدور حکم متعذر می‌گردد و در اجرای تعهدات در صورتی که حکمی را محکمه صادر نماید، لغو و بیهوده می‌نماید (عقود جایز از این قرارند). چنانچه تعهد و معامله در ضمن عقد لازمی در نیاید، طرفین در فسخ آن مجازند و با تمسک به آن از تعهد بری می‌گردند. در عقود و معاملات که اختیار فسخ در آن‌ها وجود دارد و خیار می‌باشند، به همین منوال می‌باشد و در عقود و تعهدات که با سوءاستفاده از حالت مضطر منعقد گردند (در حالت اضطرار باشند)، طرف قرارداد به‌ناچار در شرایطی که بر او احاطه شده به انجام آن بپردازد، ماده ۲۰۶ ق. مدنی آن را صحیح، اما در ماده ۱۷۹ قانون دریایی و فقه امامیه و سخنان فقها عمل حرامی صورت گرفته و آن را جایز نمی‌دانند، مع‌ذک محکمه در این شرایط و اوضاع و احوال می‌تواند در آن تجدیدنظر، بازبینی و آن تعدیل کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۸۹۲).

اگر در شرایطی تعهد و قرارداد قرار گیرد، که انجام آن غیرممکن و یا دشوارتر از معمول گردد، به جهت تغییر در اوضاع و احوال، می‌شود ادعا نمود که امکان اجرای تعهد نمی‌باشد. محاکم در این مورد تصمیم لازم را اتخاذ می‌نمایند و در صورت قبول آن، طرفین بری می‌شوند.

اگر عامل ورود خسارت کارگزار یا نماینده متعهد باشد، عمل منتسب به متعهد می‌باشد و باید خسارات وارده پرداخت گردد، وابسته به اراده متعهد نباشد، مثلاً طریقی انتخاب نماید که سریع‌تر به مقصد برسد، خطرهای بیشتری داشته

باشد و حادثه‌ای اتفاق بیفتد، منتسب به او می‌باشد. عملی توسط کارگران متعهد اتفاق افتد، در حالی که متعهد باید نظارت بر آن‌ها می‌داشت، مگر در موردی که مقصر خود کارگر باشد و تقصیر را نشود از نظارت متعهد دانست و از شرایط تعذر در قراردادهای غیرقابل پیش‌بینی بودن می‌باشد. «در حوادث غیرمترقبه و غیرقابل پیش‌بینی، در تعذر از اجرای تعهدات، بند ۴ ماده ۱۳۱۲ به آن پرداخته است. در مواردی حتی در صورتی که حادثه‌ای را عموماً در عرف قابل دفع بدانند و متعهد از عهده آن برنیاید، قابل انتساب به متعهد می‌باشد و جزء حوادث غیرمترقبه نیست. در صورتی که متعهد در زمان انعقاد تعهد، از اینکه ممکن است حادثه‌ای سبب غیرقابل انجام شدن تعهد گردد، مطلع باشد و با علم به آن، مبادرت به انجام تعهد نماید، مقصر است و محکمه در اینکه حادثه قابل پیش‌بینی بوده یا خیر، تصمیم لازم را اتخاذ می‌نماید» (صفرزاده؛ عظیمی‌گرگانی، ۱۴۰۰، ۲۸۹). غیرقابل دفع بودن به این معنا می‌باشد که حادثه‌ای که وقوع یافته، متعهد تمام سعی خود را در برطرف نمودن آن به کار گرفته و در نهایت نتوانسته بر آن فائق آید و کوتاهی و سهل‌انگاری متعهد نکرده است (ماده ۲۲۹ قانون مدنی). گاهی حادثه‌ای غیرقابل اجتناب، امکان اینکه متعهد آن را به سرانجام رساند، وجود دارد و سبب غیرممکن شدن آن نمی‌باشد (ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی). در تغییر در اوضاع و احوال حاکم بر تعهد، عوامل بسیاری تأثیرگذارند، مع‌ذک چنانچه از ابتدا این عوامل وجود داشته و عقد واقع شود، آن تعهد باطل است، چون تعهد با توجه به آن شرایط از ابتدا ناممکن بوده است (عواملی مانند: سیل، زلزله، جنگ، انقلاب، تحریم، وضع مقررات و قوانین جدید، آتش‌سوزی، خرابی ابزارآلات کارخانه و کارگاه). اراده متعهد و قصد او

ضمن عقد مقرر شده است» (نوری، ۱۳۹۶، ۱۹۷).
تعهد قراردادی که در بیرون جامعه عمل نپوشاند با عدم خویش مساوی است، لذا دو طرف همیشه به اجرای تعهد می‌اندیشند و انعقاد پیمان را صرفاً مقدمه‌ای برای رسیدن به مقصود نهایی قلمداد می‌کنند.

ممکن است طرفین در ضمن عقد به جبران خسارت تصریح نموده باشند. البته باید گفت عدم تصریح به جبران خسارت به معنی عدم امکان مطالبه آن نمی‌باشد و متعهدله در هر صورت می‌تواند برای جبران خسارات وارده به متعهد مراجعه نماید. پس این سؤال مطرح می‌شود که فایده تصریح به جبران خسارت در ضمن عقد چیست؟ باید گفت در این صورت چنانچه طرفین در خصوص میزان مسئولیت مدیون با یکدیگر توافق نموده باشند این توافق بین آنها معتبر است و حاکم نمی‌تواند در این مورد بر خلاف توافق آنها حکم دهد. ماده ۲۳۰ قانون مدنی در این خصوص چنین بیان داشته است: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند. بنابراین طرفین می‌توانند در خصوص خسارات وارده مبلغی را تعیین نمایند که چندین برابر خسارات وارده باشد و نیز ممکن است مبلغ تعیینی بسیار کمتر از خسارات وارده باشد و حتی ممکن است رفع مسئولیت از خسارات وارده را در صورت تخلف شرط نمایند.

هرگاه عرف جبران خسارتی را لازم، بدانند عدم تصریح به جبران خسارت در ضمن عقد موجب رفع مسئولیت متعهد نخواهد شد. زیرا چنین تصور می‌شود که طرفین با نظر عرف موافق بوده‌اند، در

در انجام تعهد، شامل موارد غیرقابل پیش‌بینی نباشد. تغییرات در اوضاع و احوال حاکم بر تعهدات، شامل شرایطی است که مربوط به ذات عقد نیست و مستقل از ماهیت و ذات آن است. قانون مدنی فقط به حوادث غیرمترقبه و غیرقابل دفع پرداخته، به برهم خوردن توازن و تعادل مالی و دشواری در انجام تعهد توجهی ننموده است. شرایطی که مربوط به ذات و ماهیت تعهدات نیست، سبب بطلان آن نمی‌شود و به فسخ و یا تعدیل منجر می‌شود. در زمان عقد مورد اراده بوده و مربوط به ذات نبوده است، در این صورت شخص متعذر از اجرای تعهد نیست، ولی با دشواری مواجه می‌شود و انجام آن محال نیست. ماده ۴ قانون روابط مؤجر و مستأجر سال ۵۶ و ماده ۲۲۷ قانون مدنی در تغییر شرایط و اوضاع و احوال، به تعدیل اشاره نموده است. در مورد دشواری در انجام تعهدات قانون مدنی ساکت است، تصویب مواد قانونی در این زمینه بسیاری از موارد را حل می‌نماید.

۵-۳-۶. تصریح به جبران خسارت در

قرارداد یا عرف یا قانون در حقوق ایران

«جبران خسارت باید در قرارداد تصریح شده باشد که در این صورت به استناد ماده ۱۰ ق. م. متعهد مسئول جبران خسارت خواهد بود. تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد یعنی هنگامی که شخصی در برابر دیگری تعهد بر اجرای امری می‌کند از عرف استنباط می‌شود که طرفین ضمناً بر لزوم جبران خسارت در صورت عدم اجرای تعهد توافق کرده‌اند مگر اینکه خلاف آن را در قرارداد تصریح کرده باشند؛ بنابراین اجرای مفاد ماده ۲۲۱ نیز با لحاظ مقررات مندرج در ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ قابلیت استناد و اجرا دارد. هدف از انعقاد عقد، صرف تحقق آن در خارج نیست، بلکه مقصود اصلی، اجرای تعهد ناشی از آن و رسیدن متعهدله به عوضی است که در

غیر این صورت باید مخالفت خود را اعلام می‌نمودند ماده ۲۲۵ قانون مدنی در این خصوص بیان داشته: «متعارف بودن امری در عرف و عادت بطوریکه عقد بدون تصریح هم منصرف آن باشد بمنزله ذکر در عقد است.»

امروزه در قراردادهای نظر عرف همین است و زمانی که شخصی در برابر دیگری تعهد بر انجام عملی نماید، عرف استنباط می‌نماید که طرفین ضمناً توافق بر لزوم جبران خسارت در صورت عدم انجام تعهد نیز می‌نمایند و هرگاه طرفین بخواهند بر خلاف این وضعیت عمل کنند باید در ضمن عقد به آن تصریح کنند. به همین جهت در قراردادهای لازم نیست که متعهدله ثابت نماید لزوم جبران خسارت در صورت عدم انجام تعهد تصریح شده بلکه کافی است انقضاء موعد و عدم انجام تعهد و سایر شرایط را اثبات کند تا دادگاه متعهد را به جبران خسارت وارده ملزم سازد (سماواتی، ۱۳۸۰، ۴۷).

گاهی ممکن است که در قانون در خصوص جبران خسارت حکم خاصی آورده شده باشد. در این صورت چنین حکمی معتبر است و عدم تصریح در عرف و قرارداد نیز خللی به آن وارد نمی‌کند. از جمله مواردی که به موجب قانون برای متعهد مسئولیت قرار داده شده، مسئولیت متعهد در خصوص پرداخت خسارت تأخیر تأدیه می‌باشد. ماده ۷۲۱ قانون سابق آیین دادرسی مدنی در این زمینه چنین بیان می‌داشت: «در صورتیکه راجع به خسارت تأخیر تأدیه قراردادی نشده باشد اگر خواسته بوسیله اظهارنامه مطالبه شود از تاریخ اظهارنامه و الا از تاریخ اقامه دعوی محسوب خواهد شد.» و نیز ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق بیان می‌داشت: «در دعاوی که موضوع آن

وجه نقد است اعم از اینکه راجع به معاملات با حق استرداد با سایر معاملات استقراری باشد خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی ۱۲ محکوم به در سال است و اگر علاوه بر این مبلغ قراردادی به عنوان وجه التزام یا مال الصلح یا مال الاجاره و هر عنوان دیگری شده باشد در هیچ موردی بیش از دوازده در سال نسبت به مدت تأخیر حکم نخواهد شد، لیکن اگر مقدار خسارت کمتر از صدی دوازده معین شده باشد بهمان مبلغ که قرار داده شده است حکم داده می‌شود.» بنابراین همانطور که مشاهده می‌شود در این مورد تعیین خسارت بیش از نرخ قانونی نفوذ ندارد اما چنانچه میزان خسارت کمتر از نرخ قانونی تعیین شود نافذ است.

۶. نتیجه

نتایج نشان داد، در فقه چندان به بحث مطالبه خسارت عدم ایفای تعهدات پرداخته نشده و در کل می‌توان به وجود دو دیدگاه در این خصوص قائل بود. برخی قائل به جبران خسارت هستند اما مشهور فقها چنین دیدگاهی ندارند. در فقه تاکید اصلی بر الزام اجرای عین تعهد است. در واقع، در فقه، دیدگاه واحدی در این خصوص وجود ندارد اما مشهور فقها معتقد به الزام به اجرای عین تعهد هستند و نه فسخ قرارداد و مطالبه خسارت. آن دیدگاه مبتنی بر قاعده وفای به عهد در فقه است. اکثر فقهای امامیه بدون آنکه بحث مستقلاً را به مطالبه و جبران خسارت اختصاص دهند و قاعده کلی در این باره بنا نهند، به مناسبت در بحث‌های فقهی مختلف، به مسئله خسارات قابل جبران توجه کرده و در این مقام مباحثی را مطرح نموده‌اند. هرگاه در نتیجه تخلف متعهد به متعهدله ضرری برسد متعهد مسئول است و باید آنرا جبران کند. با این وجود باید عدم اجرای قرارداد منسوب به متعهد باشد تا بتوان او را مسئول جبران خسارت

به حقوق کنونی به نظر حکم زائدی می‌رسد زیرا قطع نظر از مواردی که در قرارداد یا قانون به ضمان ناشی از عهد شکنی تصریح می‌شود، حکم عرف درباره لزوم جبران خسارت چنان قطعی و عام است که به دشواری می‌توان نمونه‌ای را آورد که عهدشکنی صورت بپذیرد ولی مدیون عهد شکن مسئول جبران خسارت نباشد.

۷. سهم نویسندگان

نویسنده مسئول به تنهایی در تهیه و تدوین پژوهش نقش داشته است.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، هیچگونه تضاد منفععی وجود ندارد.

وارده دانست و چنانچه مثلاً به دلیل دخالت قوه قاهره متعهد نتواند تعهد خود را انجام دهد و در نتیجه زبانی به متعهدله برسد نمی‌توان ضرر را به متعهد نسبت داد و رابطه سببیت میان فعل مدیون و ضرر قطع می‌شود. برای تحقق مسئولیت قراردادی شرایطی لازم است که با تحقق آنها جبران خسارت بر عهدشکن تحمیل شده و او را ملزم به جبران خسارات ناشی از تخلف خود از تعهدات قراردادی می‌سازد. این شرایط در حقوق ایران عبارتند از فرا رسیدن، موعد تخلف از اجرای تعهدات قراردادی ورود خسارت و تصریح به جبران خسارت در قرارداد یا قانون و یا عرف. در خصوص شرط اول باید گفت فرا رسیدن موعد اجرای قرارداد به معنای آن است که تا زمانی که تعهد حال نشده برای متعهدله امکان مطالبه آن وجود ندارد در خصوص شرط دوم نیز باید گفت متعهد باید از اجرای تعهدات قراردادی خودداری نموده باشد و به عبارت دیگر مرتکب تقصیر شده باشد. اما در قلمرو قراردادها صرف عهد شکنی تقصیر محسوب می‌گردد و با توجه به اینکه تعهد قراردادی به نتیجه با وسیله بوده است، اثبات عهد شکنی و بالتبع تقصیر متفاوت خواهد بود. بدین گونه که در تعهدات به نتیجه، اثبات عهد شکنی راحت‌تر بوده و عدم وصول نتیجه برای اثبات این امر کافی است در حالی که در تعهدات به وسیله، متعهدله برای اثبات عهد شکنی ناگزیر از اثبات تقصیر متعهد خواهد بود. در خصوص شرط سوم باید گفت در صورتی که متعهد از اجرای تعهدات قراردادی خود خودداری ورزد، ولی خسارتی متوجه متعهدله نگردد وی حق مطالبه خسارت از متعهد را نخواهد داشت. بنابراین ورود ضرر شرط اساسی مطالبه خسارت می‌باشد. اما شرط چهارم یعنی تصریح به جبران خسارت در قانون یا قرارداد یا عرف با توجه

منابع

منابع فارسی

- اسماعیل پور، ایرج، «بررسی تطبیقی عدم النفع در نظام حقوقی ایران و مقایسه آن با حقوق انگلیس و آمریکا»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد حسن علی دوردیان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.
- امیرقائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دوره حقوق مدنی (حقوق تعهدات)، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- رشتی، میرزا حبیب الله، کتاب الغصب، چاپ اول، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۲۲.
- سماواتی، حشمت الله، خسارات ناشی از عدم انجام تعهدات قراردادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات آینده، ۱۳۸۰.
- شهرکی زنگنه، جعفر، جبران خسارت تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی در فقه امامیه - حقوق ایران و اسناد بین المللی، چاپ اول، مشهد مقدس، انتشارات بنیاد پژوهش های اسلام، ۱۳۹۷.
- شهیدی، مهدی، آثار قراردادهای و تعهدات، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.
- صفرزاده، امیرعلی؛ عظیمی گرکانی، هادی، «لزوم اجتماع شرایط در الزام متعهد به ایفای تعهدات خود»، مجله مطالعات حقوق، شماره هجدهم، ۱۴۰۰.
- طهماسبی، علی؛ شیرازی، علی، قابلیت مطالبه خسارت ناشی از کاهش ارزش ثمن در صورت فسخ قرارداد، مجله: پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره چهل و نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
- فلاح، مهدی؛ قادری، نرجس، «تبیین مبنا و شرایط مطالبه خسارت تاخیر تادیه در فقه و حقوق موضوعه ایران و کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره چهارم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۷.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد چهارم، چاپ پنجم، انتشارات شرکت سهامی، ۱۳۸۷.

- کیائی، عبدالله، التزامات بایع و مشتری قبل و بعد از تسلیم مورد معامله، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶.
- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، چاپ- اول، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اداره کل انتشارات و تبلیغات، ۱۳۷۸.
- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه بخش مدنی، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳.
- محقق داماد، سیدمصطفی، حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۲.
- محقق داماد، سیدمصطفی؛ تفرشی، محمدعیسی؛ شعاریان ستاری، ابراهیم، «وضعیت حقوقی تعهدات قرار دادی مؤجل متوفی»، فصلنامه علمی-پژوهشی نور، شماره یکصد و هشتاد و سوم و یکصد هشتاد و چهارم، ۱۳۸۱.
- مهمان نوازان، هدیه، «کاوشی در مطالبه خسارت عدم النفع در حقوق موضوعه ایران»، مجله شهر قانون، شماره ششم، زمستان ۱۳۹۲.
- نوروزی شمس، مشیت‌الله، «زمان اجرای قرارداد و تأثیر آن در مسئولیت قراردادی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلیس)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد مصطفی محقق داماد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۳.
- نوری، امیدرضا، «جایگزین‌های عدم ایفای عین تعهد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران»، مجله مطالعات حقوق، شماره هشتم، ۱۳۹۶.
- وحدتی شبیری، سیدحسن، مبنای مسئولیت مدنی قراردادی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.

منابع عربی

- انصاری، مرتضی، مکاسب، جلد ششم، قم، نشر کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵.
- خراسانی، ملامحمد کاظم، کفایة الاصول، اصفهان، نشر خاتم الانبیا، ۱۳۸۶.
- خوانساری، شیخ موسی، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، جلد دوم، قم، چاپخانه جمهوری، ۱۳۷۳.
- السیوری (فاضل مقداد)، جمال‌الدین المقداد بن عبدالله، کنز‌العرفان (فقه القرآن)، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۳.
- طباطبایی حائری، سیدعلی، ریاض المسائل (ط- الحدیث)، جلد شانزدهم، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۱۸.
- عاملی جبعی، زین‌الدین بن محمد، شرح لمعه، جلد سوم، قم، انتشارات حوزه علمیه، ۱۳۸۳.
- عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، جلد ششم، قم، دفتر

- انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، جلد دوم و سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقهاء (ط - القديمة)، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۲۳.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام الحیا التراث، ۱۳۷۳.
- کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد ششم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد سوم و چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، چاپ دهم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۰.
- موسوی بجنوردی، میرزا حسن، القواعد الفقیهه، جلد سوم، قم، الهادی، ۱۳۷۷.
- موسوی خمینی، روح الله، کتاب البیع، جلد پنجم، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد چهل و چهل و ششم، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۷.
- نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام، جلد بیست و سوم، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲.
- نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع السلام، جلد پانزدهم و سی و نهم، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.

